

# کتابخانه بنیاد

بر اساس

دستورالعمل‌ها و کلمات عارفان بزرگ شیعه

مبتهی بر آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام

جمع‌آوری شده توسط گروهی از محققین

تنظیم و شرح

محسن مشگی

|                     |                                                                                                                                                                                                             |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | مشگی، محسن، ۱۳۴۳، گردآورنده                                                                                                                                                                                 |
| عنوان و نام پدیدآور | راه سروری، بندگی - راه عملی تزکیه و تهذیب نفس بر اساس دستورالعمل‌ها و کلمات عارفان بزرگ شیعه مبتنی بر آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام جمع‌آوری شده توسط گروهی از محققین؛ تنظیم و شرح محسن مشگی |
| مشخصات نشر          | قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۹۳                                                                                                                                                                                    |
| مشخصات ظاهری        | ۱۷۶ ص.                                                                                                                                                                                                      |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۰-۰۶-۸                                                                                                                                                                                           |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | فیا                                                                                                                                                                                                         |
| یادداشت             | کتابنامه به صورت زیرنویس                                                                                                                                                                                    |
| موضوع               | خودسازی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام                                                                                                                                                                          |
| موضوع               | خودسازی -- جنبه‌های قرآنی                                                                                                                                                                                   |
| موضوع               | خودسازی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام -- احادیث                                                                                                                                                                |
| رده‌بندی کنگره      | ۱۳۹۳۲۵۲/۲۵۰۱۳۱                                                                                                                                                                                              |
| رده‌بندی دی‌جی      | ۲۹۷/۶۳                                                                                                                                                                                                      |
| شماره کتابشناسی ملی | ۳۶۶۱۰۷۱                                                                                                                                                                                                     |

تلفن:

(۰۲۵)

نمابر: ۳۷۷۳۰۶۸۲

قم - ص. پ: ۵۶۳ - ۳۷۱۸۵

محسن مشگی

انتشارات پیام مهدی (عج)

اول، ۱۳۹۴

۱۰۰۰۰ نسخه

شریعت

۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۰-۰۶-۸

www.payammahdi-pub.com

info@payammahdi-pub.com

● مؤلف:

● ناشر:

● چاپ:

● شمارگان:

● چاپخانه:

● شابک:

● وبسایت:

● پست الکترونیک:

● تمامی حقوق محفوظ است ●

جهت تهیه کتاب می‌توانید وجه آن را به حساب جاری سیبا بانک ملی قم، شعبه حجتیه (کد ۲۷۱۱) به نام امیرانصاری واریز نمایید، سپس فیش آن را به آدرس دفتر انتشارات، واقع در قم - خیابان صفائیه - کوچه بیگدلی - کوچه شیرین - کوی آزاد - پلاک ۵۵، ارسال نمایید.

## توبه و توبه‌ناپذیران

- پیش گفتار ..... ۱  
هدف نهایی ..... ۲  
اهمیت تهذیب نفس ..... ۳

## توبه و توبه‌ناپذیران

- ۱- داشتن اعتقادات صحیح ..... ۴  
۲- درک بنده بودن ..... ۵  
۳- صدق در محبت به خداوند متعال و اولیای او ..... ۶  
۴- حسن ظن به خداوند ..... ۷  
۵- توکل به خداوند در همه امور ..... ۸  
۶- عزم ..... ۹  
۷- خضوع در برابر حق تعالی و اولیایش ..... ۱۰  
۸- لزوم علم ..... ۱۱  
۹- استقامت و عدم رجوع از سیر ..... ۱۲

- ۱۰- صحت مزاج .....
- ۱۱- مدارا با نفس و بدن و توجه به تدریجی بودن سیر .....
- ۱۲- تطهیر و تنظیف قلب .....
- ۱۳- ولایت اهل بیت رسول الله ﷺ .....
- محبت آن بزرگواران .....
- ۱- توبه .....
- ۲- مراقبه .....
- ۳- مشارطه - محاسبه - معاتبه .....
- ۴- خلوت (عزلت) و مراتب آن .....
- ۵- حضور قلب .....
- ۶- حزن دائم .....
- ۷- اهتمام بر نماز .....
- ۸- سحر خیزی .....
- ۹- اهتمام بر دوام طهارت .....
- ۱۰- سجده طولانی .....
- ۱۱- اهتمام به روزه .....
- ۱۲- یاد مرگ و قیامت .....

- ۱۳- صمت (سکوت).....
- ۱۴- کم خوردن و کم خوابیدن.....
- ۱۵- ترک مشتهیات.....
- ۱۶- مداومت بر ذکر و دعا.....
- ۱۷- تفکر.....
- ۱۸- کتمان.....
- ۱۹- تضرع.....
- ۲۰- دوری از دنیا.....
- ۱- اعتقادات فاسد.....
- ۲- عادات و رسوم و تعارفات.....
- ۳- همنشینی با غافلان.....
- ۴- شک و شبهه.....
- ۵- دغدغه معاش.....
- ۶- غفلت و بطلالت.....
- ۷- خوض در مالا یعنی.....
- ۸- انکار مقامات عرفانی.....
- ۹- خنده زیاد، غیبت، بهتان و حسد.....

..... ۱۰- غضب بی جا

..... ۱۱- آزار دیگران

..... ۱۲- دل شکستن

..... ۱۳- شیعه نامیدن خود

..... ۱۴- کسب وجهه و معاش با معارف دین

فصل چهارم: آداب تسویه گشت

..... آداب تسویه کننده تهذیب نفس

..... منابع و مآخذ

www.ketab.ir

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا...»<sup>۱</sup> (آن گاه خدا گوید) ای گروه جن و انس، مگر برای هدایت شما از جنس خود شما رسولانی نیامدند که آیات مرا برای شما می خواندند و شما را از مواجه شدن با این روز سخت می ترسانیدند؟...

«فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»<sup>۲</sup> پس منزه و پاک است خدایی که (ملک و) ملکوت هر موجود به دست (قدرت) او و بازگشت شما همه خلایق به سوی اوست.

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فُتْلَاقِيهِ»<sup>۳</sup> ای انسان البته با هر رنج و مشقت (در راه طاعت و عبادت حق بکوش) که عاقبت به ملاقات پروردگار خود می روی.

سیر الی الله و لقای او سرنوشت محتوم انسان است.

لکن نوع بهره مندی از لقای پروردگار متعال هنگام رجوع و میزان آن

۱. سوره مبارکه انعام، آیه ۱۲۰.

۲. سوره مبارکه یس، آیه ۸۳.

۳. سوره مبارکه انشقاق، آیه ۶.

متناسب با شرایط وجودی انسان در هنگام مرگ متغیر است.

گمان نکنیم که سالکان طریق کوی او اشخاص بی عرضه‌ای بوده‌اند که هیچ کاری اعم از علمی و اقتصادی در این دنیا از ایشان برنمی‌آمده به ناچار برای خود سرگرمی و مشغولیتی به نام سیر و سلوک الی الله انتخاب کرده‌اند، و یا تصور شود که ایشان انسان‌هایی افسرده بوده و از سر افسردگی و دل‌زدگی نسبت به زندگی دنیا این مسیر را انتخاب کرده‌اند. از طرفی نباید این‌گونه برداشت شود که اگر انسان تنها به وظایف شرعی و فقهی خود عمل کند به عالی‌ترین مراتب سعادت رسیده و حیات اخروی بی‌درد سری خواهد داشت.

مگر نشنیده‌ایم داستان اتفاق امیر مؤمنان علی علیه السلام و خانوادهٔ مکرم ایشان علیهم السلام را که در طی سه روز روزه‌داری، هر روز افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیری دادند و فرمودند:

«إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا غُيُوسًا فَظَرِيرًا» اما از (قهر) پروردگار خود در روزی که (از رنج و سختی آن رخسار خلق) در هم و غمگین است می‌ترسیم.

اتفاق افطار خود و خانواده علاوه بر آن که واجب نیست، شاید هیچ فقیه‌ای به استحباب آن هم حکم نکرده باشد ولی این بزرگواران می‌فرمایند: «اگر ما این کار را نمی‌کردیم، با خشم الهی مواجه می‌شدیم!»

۱. إِنَّمَا نَعْظَمُكُمْ لَوْحَمِ اللَّهِ لَا نَرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا غُيُوسًا فَظَرِيرًا فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَاهُمْ نَضْرَةً وَ سُزُورًا (سوره مبارکه انسان، آیات ۹ تا ۱۱)



با انجام واجبات و ترک محرمات همه موانع لقای الهی برطرف نخواهد شد و بزرگ‌ترین مانع که شرک و جودى (یعنی خود و هستی خود را دیدن) است، جز با مجاهده و مبارزه با نفس برطرف نخواهد شد. اگرچه مراعات واجبات و محرمات خود به معنای پیمودن مرحله‌ای از مجاهده با نفس است، ولی برای حصول درجات عالی سعادت و خلاصی از عقبات هولناک پس از مرگ تا روز قیامت نیازمند طی مراحل دشوارتر و دقیق‌تری از مجاهده با نفس هستیم.

ما از طریق معرفت به حقیقت نفس، به درک توحید و جودى می‌رسیم و این نمایان‌گری، جز از نفس مهذب از امر دیگری برنمی‌آید.

پس برای حصول این آمادگی باید نفسمان را صیقل دهیم و راه صیقل دادن نفس، مجاهده با نفس است؛ چنان که قرآن فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

و آنان که در (راه) ما (با جان و مال) جهد و کوشش کردند محققا آنها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ﴾<sup>۲</sup> و البته ما (به حکم جهاد) شما را در مقام امتحان می‌آوریم تا (مقام) آن را که در راه خدا جهاد و مجاهده و کوشش دارد

۱. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۶۹.

۲. سوره مبارکه محمد، آیه ۳۱.

و (برنج آن) صبر می‌کند معلوم سازیم و ادعای شما (منافقان) را نیز (در مقام عمل) بیازماییم.

اولین مرحله مجاهده با نفس ترک لذایذ و آسایش‌های دنیوی است؛ چرا که خداوند متعال فرموده‌اند:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾<sup>۱</sup> و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و ضررهای مالی و مرگ (نزدیکان) و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده. آنان که چون به حادثه سخت و ناگوار دچار شوند (صبری پیش گرفته و) گویند: مبدء وجود ما خداوند متعال است و به سوی او رجوع خواهیم کرد. آن گروهند که مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص اویند و تنها آنها هدایت یافتگانند.

هر کس خود به تنهایی باید این مسیر را بپیماید. در حرکات دنیوی امکان همراه شدن با شیئی متحرک و حرکت نمودن به همراه حرکت آن شیء وجود دارد ولی در حرکت معنوی و پیمودن مسیر رجوع الی الله، هر نفسی باید خود این مسیر را با پای خود بپیماید. تحمل و صبر بر این سختی‌ها در دنیا، و مسیر رجوع به ذات باری تعالی دانستن آن‌ها مانند

پیمودن مسیر حرکت با دو پای خود است؛ و باید مطمئن بود که در مواقع

خستگی و ناتوانی به کمک ما خواهند آمد چون فرموده‌اند:

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُهْتَدُونَ»<sup>۱</sup>؛ آن گروهند که مخصوص به درود و الطاف الهی

و رحمت خاص خدایند و تنها آنها هدایت یافتگانند.

شمول «صلوات» و «رحمت» الهی نسبت به کسی همان کمک رسانی

به اوست.

همچنین فرموده‌اند:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا

تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» آنان که

گفتند: محققا پروردگار ما خدای یکتاست و براین ایمان پایدار

ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مرثه دهند) که دیگر

هیچ ترسی (از مواجهه با قهر الهی) و حزن و اندوهی (از محرومیت از

مشاهده لطف و جمال الهی) نداشته باشید و شما را به همان بهشتی

که (انبیا) وعده دادند بشارت باد.

«نَحْنُ أَوْلَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي

أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ»<sup>۲</sup> ما در دنیا و آخرت یاران و

دوستانداران شمایم و برای شما در بهشت ابد هر چه مایل باشید یا

آرزو و تقاضا کنید همه مهیاست.

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۷.

۲. سوره مبارکه فصلت، آیات ۳۰ و ۳۱.

اما خدای ناکرده اگر از پیمودن این مسیر سرباز بزنیم، و مشمول این عتاب شویم که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا هنگامی که به شما امر شود که برای جهاد در راه خدا بی درنگ خارج شوید (چون بار گران) به دنیا سخت دل بسته‌اید؟ آیا راضی به زندگانی (کوتاه) دنیا در مقابل حیات جاودان اخروی شده‌اید؟ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندکی بیش نیست.

پس از مرگ و در عوالم برزخ و قیامت با تحمّل دشواری‌های هزار هزار برابر باید این سیر رجعت را طی کنیم؛ زیرا این سیر برای رجوع به مبدأ هستی صورت می‌پذیرد و رجوع امر آلوده به امر پاک، ممکن نیست.

انسان آلوده به شرک و محبت دنیا و صفات ناپسند امکان رجوع و ورود به ساحت لقای سعادت‌مندانه الهی را ندارد. پس باید بدانیم سیر و سلوک، یک فعالیت تزیینی و برای تمتّع بیشتر از نعمت‌های بهشتی نیست.

اگر چه از آن جا که ورود به بهشت خود نوعی رجوع و مرتبه‌ای از لقای تجلیات جمال الهی<sup>۲</sup> است، با آلودگی امکان ندارد و درک آن هم

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۳۸.

۲. جمال الهی: مشاهده مصادیق لطف خداوند متعال که تمامی نعمت‌ها و زیبایی‌ای است که نفس انسان با دیدن آن‌ها حالت شادمانی و سرور پیدا کرده و در نتیجه احساس آرامش و سکون می‌کند.

نیازمند ریاضت و صبر در دنیا می‌باشد.

ولی لقای ذات، نیازمند مراتب بالاتری از پاکی است و باید بدانیم که عدم لقای ذات، محرومیت از نعمت: «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»<sup>۱</sup> را به دنبال دارد که حسرتی ابدی است.

توجه به این نکته مهم، ضروری است که سیر و سلوک فعالیتی در عرض زندگی نیست که مجبور باشیم یکی را انتخاب کنیم، بلکه بستر سیر و سلوک الهی همین زندگی دنیوی است. اگر قلب بصیری داشته باشیم و پدیده‌ها و اتفاقات زندگی را برنامه الهی برای امتحان، و ابتلائات آن را محصول اراده الهی برای تزکیه و هدایت خود به سوی او بدانیم، نوع تعامل ما با این اتفاقات همان سیر و سلوک ماست.

اگر توجه کنیم که مسیری که در پیش داریم سیر در بی‌نهایت است:

این سیر را نهایت صورت کجا توان بست

کش صد هزار منزل پیش است در بدایت

و همچنین به این تعبیر قرآن توجه کنیم که می‌فرماید: «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا»<sup>۲</sup> «هرگز جز آنچه خدا برای ما خواسته به ما نخواهد رسید»، از لحظه به لحظه زندگی خودمان به عنوان عاملی برای حرکت در این مسیر استفاده خواهیم کرد.

۱. «پادشاهی بزرگتر از نعم بهشتی نزد ما دارند»: سوره مبارکه ق، آیه ۳۵.

۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۵۱.

برای حصول آمادگی جلب مواهب غیبی جهت پیمودن سریع و بی خطر این مسیر، باید اموری را مراعات کنیم تا نفسمان آمادگی حرکت در این مسیر را پیدا کند.

این نوشتار در صدد بیان رفتارهایی است که بزرگان این مسیر برای پیموده شدن سریع و مطمئن آن توصیه نموده‌اند.

این مجموعه مشتمل بر دو بخش اصلی است:

نقل کلامی ارسال‌الکائنات الی الله که در قالب توصیه به رفتاری و یا توصیف مسیر سیر الی الله و هدف آن بیان نموده‌اند؛

و ارائه بیانی توضیحی با استمداد از آیات شریف قرآن و کلمات مبارک معصومین (علیهم‌السلام)؛

در این جمع‌آوری سعی بر این بوده است که اولاً توصیه‌هایی مطمح نظر قرار گیرند که در کلام چند بزرگ آمده بوده‌اند و ثانیاً تأییدی آبی یا روایی برای آن وجود داشته است.

امید است که قدمی کوچک در راه رسیدن به هدف الهی خلقت برداشته باشیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

مقصود اصلی از خلقت انسان «مَعْرِفَةُ اللَّهِ وَالْوُضُوءُ إِلَى دَرَجَةِ حُبِّهِ وَالْأُنْسِ بِهِ وَلَا يُمْكِنُ خُضُوءُ هَذَيْنِ الْأَمْرَيْنِ إِلَّا بِتَضَفِيَةٍ

الْقَلْبِ<sup>۱</sup> و آن هم ممکن نبود که «كُفَّ النَّفْسِ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَالْإِنْقِطَاعُ مِنَ الدُّنْيَا الدِّنِّيَّةِ وَإِقَاعُهَا عَلَى الْمَشَاقِّ مِنَ الْعِبَادَاتِ ظَاهِرِيَّةً وَبَاطِنِيَّةً»<sup>۲</sup>

معرفت خداوند متعال محصول لقای جمال الهی است که در قرآن مجید بارها به آن اشاره شده و نهایت سیر دنیوی انسان را لقاء الله دانسته است. لقای جمال الهی نوعی شهود حضوری است که در مقام فناء برای انسان حاصل می‌شود.

بعد از این روی من و آینه وصف جمال

که در آن جا خبر از جلوۀ ذاتم دادند

رسیدن به این مقام مستلزم گذر از غیب عالم و مشاهده جلال الهی<sup>۳</sup> و همچنین برداشته شدن حجب نفسانی می‌باشد.

محصول شهود جمال الهی، انس با خداوند متعال است؛ بر خلاف مشاهده جلال الهی که مستلزم خوف و خشیت است. به همین دلیل

۱. «معرفت به خداوند و رسیدن به مقام انس و محبت به او و این امور مخلوق نمی‌گردد مگر به تصفیه شدن و پاکی قلب».

۲. «پرهیز دادن نفس از شهوات و بُریدن از دنیا و وادار کردن نفس به عبادات سخت و مشکل از عبادات ظاهری و باطنی»؛ کتاب تذکرة المتقین، آداب حج، مرحوم بهاری همدانی.

۳. تمامی اموری که انسان را دچار خوف و تشویش می‌کنند که ناشی از تجلیات قهر الهی است. و این تجلیات خوف آلود به عنوان موانعی در راه رسیدن به مشاهده جمال الهی و بهره‌مندی از آن تعبیه شده است تا عاشقان راستین الهی و میزان صدق مدعایشان در خلوص عشق و محبت تام به خدای متعال را بسنجند و به راستگویان و مخلصان جواز مشاهده جمال و بهره‌مندی از آن را بدهند.

است که در قرآن کریم وعده «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup> به مؤمنان داده شده است. ایشان که در این نشئه با مجاهدت موفق به عبور از غیب عالم و مشاهده تجلیات جلالی اند، در آخرت هیچ نوع خوفی برایشان نیست، به همین جهت قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾<sup>۲</sup>

والبتّه (مؤمنان) آنان که توفیق و وعده نیکوی ما (مشاهده جمال الهی) بر آنها سبقت یافته از آن دوزخ به دور خواهند بود.

توضیح آن که با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین انسان برای رسیدن به سعادت که همان مشاهده جمال الهی از طریق معرفت به ذات باری تعالی است باید دو مرحله را پشت سر بگذارد: ۱- فلاح ۲- اهتداء.

در ابتدای سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۳</sup> این کتاب که هیچ

شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.

سپس علائم متقین را ذکر کرده و در انتها می‌فرماید:

﴿أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۴</sup> آنان از لطف

پروردگار خویش در مسیر هدایتند و آنها به حقیقت، رستگاران عالمند.

۱. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از قهر الهی) و هیچ حسرت و اندوهی (از محرومیت از مشاهده لطف و جمال الهی) در دل آنها نیست»؛ سوره مبارکه بونس، آیه ۶۲.

۲. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۱۰۱.

۳. سوره مبارکه بقره، آیه ۲.

۴. سوره مبارکه بقره، آیه ۵.



با دقت در این آیات سه نکته روشن می‌شود: یکی آنکه قرآن کریم هدایت‌گر متقین است؛ به این معنا که هدایت شدن و رسیدن به انتهای مسیر سعادت پس از مرحله متقی شدن اتفاق می‌افتد.

دوم اینکه فلاح همان رسیدن به مقام متقین است.

و سوم اینکه با توجه به آیه: «فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> پس حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که این اعمال صالح برای آنان که مشتاق رسیدن به مقام وجه الهی هستند بهترین کار است و هم اینان (که نیکی می‌کنند به امید رسیدن به مقام وجه الهی) رستگاران عالمند. «مفلحون» کسانی هستند که خواستار (وجه الله) هستند.

از این سه نکته آشکار می‌شود که (مهدی) یعنی کسی که با داشتن شرایط فلاح به نقطه نهایی هدایت رسیده؛ یعنی به مقام (وجه الهی) رسیده است، که رسیدن به آن، همان شایستگی مظهر جمال الهی شدن (یعنی آینه جمال نما) است. که پس از حصول آن انسان با مشاهده خود چیزی جز زیبایی‌های ذات ربوبی را مشاهده نمی‌کند و از مشاهده دائم این زیبایی‌ها در سرور و نشاط دائم است.

پس مسیر هدایت همان مسیر رسیدن به مقام (وجه الهی) است.

در جای دیگر خداوند متعال به تعریف و توصیف مهتدی به معنای کسی که به انتهای مسیر هدایت رسیده اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْقُمْرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup> و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده.

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾<sup>۲</sup> آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند (صبوری پیش گرفته و گویند: متداء وجود ما خداوند است و به سوی او رجوع خواهیم کرد).

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾<sup>۳</sup> آن گروهند که مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و تنها آنها هدایت یافتگانند.

در این آیات ابتلائات الهی که همان تجلیات جلالی خداوند می‌باشد، بیان شده و به صبر کنندگان بشارت داده و ایشان را مهتدی معرفی می‌کند.

برای تأیید این برداشت مناسب است به آیه‌ای دیگر اشاره شود آنجا که قرآن کریم می‌فرماید:

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۵.

۲. همان، آیه ۱۵۶.

۳. همان، آیه ۱۵۷.

﴿إِنَّمَا يَعْزُمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ  
وَأَتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ  
الْمُهْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup> منحصرًا تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که  
به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود  
بدهند و از غیر خدا نترسند، پس امید است که از هدایت یافتگان راه  
خدا باشند.

در این آیه به همان نشانه هایی که در ابتدای سوره بقره برای متقین  
گفته شده بود اشاره می شود و سپس می فرماید: امید است که دارندگان  
این صفات از مهتدین بشوند.

عین همین دو مرحله در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مناجات  
شعبانیه با شفافیت بیشتر آمده است.

ایشان در ابتدای مناجات در فرازی می فرمایند:

إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَاسْتَغَمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ  
فَأَطَاعَكَ<sup>۲</sup> خدایا آن گونه به من توجه نما که آنانی که دعوت ترا  
اجابت کرده اند توجه می کنی و با کمک خویش از ایشان سعی و  
عمل خواسته ای و ایشان تو را اطاعت کرده اند.

در این فراز علی علیه السلام از خداوند می خواهد او را از کسانی بداند که ندای  
او را لبیک گفته و لبیک آنها اطاعت از پروردگار متعال است. شاید منظور

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۸؛ اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۶.

از این ندا همان ندای «و ان اعبودنی» باشد.

اما ایشان در فرازی دیگر پس از درخواست رسیدن به انقطاع کامل و پشت سر گذاشتن حجاب‌های نورانی و پیوستن به ساحت قدس الهی دوباره از خداوند می‌خواهند از کسانی باشند که ندای الهی را لبیک گفته‌اند که همان ندای «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>۱</sup> است. ولی این بار نتیجه این لبیک چیز دیگری ذکر شده و آن مواجهه با جلال الهی و رسیدن به حالت صعق (بی‌هوشی) است.

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتُهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحَظْتُهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَتَاجَعْتُهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا؛<sup>۲</sup> خدایا مرا در زمره کسانی قرار ده که ایشان را دعوت نموده‌ای و دعوت تو را اجابت نموده‌اند پس نظری جلالی برایشان نموده و ایشان از مشاهده عظمت و کبریایی تو بیهوش گشته، سپس با ضمیر ایشان به مناجات نشسته‌ای تا ایشان در آشکار عامل به فرامین توشوند.

سپس نتیجه حصول حالت صعق را ارتباط خداوند با هر انسان (که همان مقام وجه الاهی نفس است) ذکر کرده می‌فرمایند: (فتاجعته سرا) و می‌فرماید این اشخاص منادی توحید می‌شوند: (و عمل لك جهرا).

۱. «ای اهل ایمان، چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات ابدی شماست (یعنی ایمان) دعوت کنند اجابت کنید.» سورة مبارکه انفال، آیه ۲۴.

۲. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷.

با انضمام عبارت «وَلَا حَظُّهُ فَصَعِقَ لَجَلَالِكَ» به آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»<sup>۱</sup> می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در این مرحله توجه خداوند متعال به سالکان کویش همان مبتلا شدن به ابتلائات سخت می‌باشد.

اگر این بیان را در کنار آیه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»<sup>۲</sup> بگذاریم متوجه خواهیم شد که «وَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا» همان امامت برای هدایت است و منظور از صبر؛ پشت سر گذاشتن تجلیات جلالی خداوند متعال است.

این مضمون را در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم می‌توان یافت؛ آنجا که ثمرات استقامت در راه خداوند را ذکر کرده سپس می‌فرماید:

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا بِمَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۳</sup> در جهان چه کسی از آن کس که (چون پیغمبران) خلق را به سوی خدا خواند و نیکوکار گردید و گفت که من از تسلیم شوندگان خدایم به‌تر و نیکوگفتارتر است؟

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا

۱. «والبته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده.»؛ سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۵.

۲. «و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را به امر ما (نه به امر خلق) هدایت کنند قرار دادیم برای آنکه (در راه حق) صبر کردند و در آیات ما مقام یقین یافتند.»؛ سوره مبارکه سجده، آیه ۲۴.

۳. سوره مبارکه فصلت، آیه ۳۳.

الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ<sup>۱</sup> و هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست، همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است پاداش ده و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد.

و در آیه بعد شرایط رسیدن به این مقام یعنی داعی الی الله شدن را این گونه بیان می فرماید:

«وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا أُولُو حَظٍّ عَظِيمٍ»<sup>۲</sup> ولیکن به این مقام بلند (یعنی دعوت به سوی خداوند با پاداش دادن بدی به نیکی) کسی نمی رسد جز آنان که (در راه دینداری) دارای مقام صبر و ثبات و (در معرفت الهی) صاحب حظ بزرگند.

بنابراین، هدایت یافتگی مقامی برتر از رسیدن به فلاح و متقی شدن است؛ گرچه برای رسیدن به مقام «مهدون» قطعاً باید مقام «متقین» را کسب کرد. ولی باید دانست ایستادن در این مقام (مقام فلاح) و پسنده کردن به آن خسروانی عظیم به دنبال دارد؛ چرا که خداوند متعال نتیجه زحمات پیامبر که همان قرآن است را هدایت مفلحون و متقین دانسته است. و این هدایت یافتگی و رسیدن به مقام مهدون جز با رفتن در دل ناملایمات و تحمل ریاضات جسمانی و نفسانی و پشت سر گذاشتن جهاد اصغر و ورود به عرصه کارزار جهاد اکبر (که همان گذر از تجلیات جلالی

۱. همان، آیه ۳۴.

۲. همان، آیه ۳۵.

خداوند می‌باشد) امکان حصول ندارد.

در واقع خداوند متعال با مستور کردن جمال خویش در پوشش غیب (تجلیات جلالی) به امتحان بندگان خویش پرداخته تا طالبان و عاشقان واقعی خود را از مدعیان لاف زن جدا نماید.

کز ازل پرتو حسنّت ز تجلی دم زد  
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد  
جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت  
عین آتش شد از این غیرت و برآدم زد  
عقل می‌خواست از آن شعله چراغ افروزد  
برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد  
مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز  
دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

و از آن جا که این لقاء جمال محصول فناء بوده است، منقطع و مقطعی نبوده و نفس فانی فی الله دائم ملتذّ به این لذّت مشاهده است. و به همین دلیل، در قرآن کریم به ایشان وعدهٔ «وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یعنی شادی و نشاط) داده شده است. این حزن، همان حزنی است که محصول هجران از محبوب است.

از سوی دیگر، باید دانست که باطن تجلیات جلالی الهی چیزی جز جمال الهی نیست؛ به دلیل آیهٔ کریمه: «بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ

قَبْلِهِ الْعَذَابُ»<sup>۱</sup> تجلیات جلالی الهی وجوداً متأخراً از تجلیات جمالی می‌باشند گرچه در مقام خلقِ عالمِ کثرات، تجلیات جلالی مقدمند. زیرا این تجلیات جلالی هستند که کثرت آفرینند؛ چنان که در ادعیه آمده است:

يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ<sup>۲</sup> ای کسی که رحمت بر غضبت پیشی دارد.

برای توضیح باید گفت: جمال اشاره به مقام ذات الهی قبل از تجلی دارد که هیچگونه کثرتی ولو اعتباری در آن راه ندارد (کان الله و لم یکن معه شیء) خداوند بود و هیچ موجودی با او نبود.

جمالی که خداوند متعال به آن مبتهج بالذات است؛ یعنی نیازی به دیگران برای درک زیبایی‌های خود ندارد.

و همین عشق خداوند به خود، علت غایی تجلی خداوند متعال و حدوث کثرات است. این عشق به ذات، منشأ رحمت الهی است که تمام عالم هستی ریزه‌خوار این رحمتند.

«اللهم انی اسالک برحمتک الّتی وسعت کل شیء»<sup>۳</sup> خدایا من خواهان رحمت توام که تو با آن رحمت تمامی موجودات را در پناه خویش آورده‌ای.

۱. «و بر آن حصار دری باشد که باطن و درون آن در، بهشت رحمت است و از جانب ظاهر آن عذاب جهنم خواهد بود.»: سوره مبارکه حدید، آیه ۱۳.

۲. این جمله در چندین دعای مأثور آمده است از جمله: «إقبال الأعمال»، (طبع القدیمه)، ج ۱، ص ۳۶۳. فصل فیما تذکره من ادعیه یوم عرفه»

۳. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۹۵.



که بندد طرف وصل از حسن شاهی

که با خود عشق بازد جاودانه

این رحمت که سرچشمه آن، جمال الهی است در تمام سطوح هستی  
(به تفاوت شرایط) ظهور دارد.

اما جمال؛ ساحت سرّ خداوند و حریم ستر و عفاف است و نامحرمان  
نباید به آن دست یابند.

لذا خداوند متعال در مقام تجلی و خلق موجودات، برای حریم سرّ  
خود حجبی قرار داده است. این حجب تجلیاتی هستند که خاصیت  
دافعه دارند. همچنین خداوند متعال برای اعمال ربوبیت و ولایت خود بر  
عالم هستی باید قوای قهریه داشته باشد؛ که این قوای قهریه با تجلیات  
جلالی ظهور می‌یابند.

نفس انسان مظهر جمال الهی است که با صفات جلالی در عالم  
ناسوت ظهور یافته است و انسان برای درک ظهور مظهریت جمالی نفس  
باید صفات جلالی نفس را پامال کرده و از بین ببرد. این مسیر همان  
مسیر سعادت است.

لذا فرموده‌اند که تصفیه با تحمل مشاق از عبادات<sup>۱</sup> حاصل می‌شود.  
زیرا در انجام عبادات سخت است که هم بدن و هم روح باید تحمل

۱. عباداتی که همراه با سختی فراوان است، مانند روزه گرفتن در روزهای طولانی و گرم تابستان و  
شب‌زنده‌داری در شب‌های کوتاه تابستان و یا کمک به نیازمندان در حالی که خود دارایی فراوانی  
ندارید.

سختی و ذلت بکنند. به همین دلیل خداوند متعال در وصف سعادت‌مندان می‌فرماید:

﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا ... وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ

بَابٍ ۝ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾<sup>۱</sup> که آن منزل

بهشت‌های عدن است که در آن بهشت‌ها خود و همه پدران و زنان و

فرزندان شایسته آنها داخل می‌شوند در حالی که فرشتگان بر

(تهنیت) آنها از هر در وارد می‌گردند. (و می‌گویند) سلام و تحیت بر

شما باد که صبر پیشه کردید. و پس نیک است سرانجام این سرای.

اساساً معرفت توحیدی حصول همین درک از عالم است که منشأ نار،

نور است و در اصل، همه عالم مظهر و مظهر جمال الهی است.

شاید سرّ این کلام حضرت رجب کبری علیه السلام که در اوج نامرادی‌های

ایام فرمودند:

مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً؛<sup>۲</sup> من چیزی غیر از زیبایی ندیدم.

با این بیان قابل درک باشد.

درک توحید و حصول چنین معرفتی مستلزم انس با خداوند متعال

است. این مشاهده حضوری با قلب انسان ظهور می‌یابد؛ امیر مؤمنان

علی علیه السلام فرموده‌اند:

... لَا تُذَرُّكَ الْغَيُورُ فِي مُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ

۱. سوره مبارکه رعد، آیه ۲۳ و ۲۴.

۲. اللهوف، ص ۱۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵، باب ۴۹، الوقائع المتأخرة عن قتله علیه السلام.

بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ؛<sup>۱</sup> چشمان ظاهری توان مشاهده آشکار او (خداوند متعال) را ندارند بلکه قلبهای انسان‌ها توسط حقیقت ایمان به نظاره او می‌نشینند.

به همین دلیل قرآن کریم فرموده است که خداوند متعال انسان‌ها را در مورد نوع شکل قلبشان مواخذه می‌نماید: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ»<sup>۲</sup> و به همین اعتبار قلب حرم الهی نام گرفته است.

قَالَ الصَّادِقُ (ع): الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ<sup>۳</sup>  
قلب حرم الهی است؛ هر حرم او غیر او را جای ندهید.

و در عالم هستی تنها این مخلوق خداوند متعال گنجایش معرفت الهی را دارد؛ چنان که در حدیث قدسی آمده است:

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا يَسْعِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ؛<sup>۴</sup> خداوند متعال فرموده است: آسمان و زمین با آن وسعت پذیرای من نیست لکن قلب بنده مؤمن من توان پذیرایی مرا دارد.

ولی این خانه با همه وسعتش در صورتی می‌تواند جایگاه معرفت الهی باشد که محبت غیر او در آن نباشد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۹۸، باب فی ابطال الرؤیه، حدیث ۶.

۲. خدا شما را به سوگندهای لغو مواخذه نکند و لیکن به آنچه دلهای شما کسب کرده است مواخذه خواهد کرد و خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. «سوره مبارکه بقره: ۲۲۵».

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵، باب ۴۴، حب الله تعالى، ذیل حدیث ۲۷.

۴. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۷.

لذاست که خداوند متعال حب خود را با حب دنیا قابل جمع نمی‌داند و در آخرین کلماتش در گفتگو با حبیبش در سفر معراج به پیامبرش که محبوب‌ترین موجودات نزد اوست می‌فرماید:

يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَصَامَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَطَوَى مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سُمْعَةً أَوْ رَأْسَةً أَوْ خُلِيَّةً أَوْ زِينَةً لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي وَلَا نَزْعَنَ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي وَعَلَيْكَ سَلَامِي وَمَحَبَّتِي؛ ای پیامبر اگر بنده‌ای مانند اهل آسمانها و زمین نماز گذارد و به مقدار ایشان روزه بگیرد و از طعام مانند ایشان خودداری کند و لباس برهنگان را به تن کند اما من در قلبش ذره‌ای از محبت دنیا یا شهرتش و یا زینتش را ببینم او را در کنار خود جای نداده و محبت من را از دلش برخواهم گرفت.

نبودن غیر او به معنای درک همه مراتب توحید است که عبارتند از: ۱. توحید در الوهیت ۲. توحید در خالقیت ۳. توحید در ربوبیت ۴. توحید در وجود؛ و هدف اصلی از خلقت انسان درک مرتبه چهارم از توحید است که آن هم جز با تزکیه و تطهیر نفس حاصل نخواهد شد. زیرا تا انسان و منیت او تعینی داشته باشد، حب ذات لازمه آن بوده و این محبت به «خود» با محبت به «او» جمع‌شدنی نیست. و این لازمه غیرت الهی است؛ چرا که خداوند متعال، اول غیور عالم است و شرک را در

هیچ حوزه‌ای بر نمی‌تابد. به همین اعتبار فرموده است:

«إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»<sup>۱</sup> و تنها آن کس سود برد که با دل سالم (که غیر از محبت خالص به خداوند و پاک (از شرک و تکبر و حرص و حسد) به درگاه خدا آید.

سلامت قلب به این است که هم از محبت غیر و هم از معرفت غیر پاک شود که اگر چنین شد، از کدورت‌ها و کژئی‌ها و حسادت‌ها نیز پاک می‌شود. این تطهیر امکان ندارد مگر با سوختن که تطهیر قلب به سوختگی است.

این سوختگی با صبر بر طاعات الهی و مصیبات دنیوی و ترک لذایذ مادی حاصل خواهد شد؛ لذا در کتاب کریم خود فرمود:

«وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»<sup>۲</sup> ولیکن به این مقام بلند (یعنی دعوت به سوی خداوند با پاداش دادن بدی به نیکی) کسی نمی‌رسد جز آنان که (در راه دینداری) دارای مقام صبر و ثبات و (در معرفت الهی) صاحب حظ بزرگند.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید:

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلَّطَ النَّارُ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً...؟!<sup>۳</sup> ای مولای من نمی‌دانم آیا تو این آتش را بر این صورت‌هایی که به درگاه توبه سجده افتاده‌اند مسلط خواهی کرد؟

۱. سوره مبارکه شعراء، آیه ۸۹.

۲. سوره مبارکه فصلت، آیه ۳۵.

۳. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۴۶، دعاء آخر و هو دعاء الخضر (علیه السلام).

حضرت زین العابدین و سید الساجدین علی بن الحسین علیه السلام در دعای شریف سحر خود موسوم به دعای ابو حمزه می فرماید:

لَا تُحْرِقْ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَغْفِرِي بَغَيْرِ مَنْ مَنِي  
عَلَيْكَ بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمُنُّ وَالتَّقْضُلُ عَلَيَّ؛<sup>۱</sup> الهی صورتم را پس از  
آن که به حالت سجده به خاک آمیخته شده است را بر آتش  
می افکنی. من بر این سجده بر تو منتهی ندارم بلکه این توهستی که (با  
پذیرش بندگی من) بر من منت نهاده ای.

گویا سجده بدل از آتش است و آن تطهیری که اگر انجام نشود در  
قیامت با سوختن در آتش انجام خواهد شد، در این دنیا با عبادات - که  
سجده مظهر تام عبادت است - حاصل خواهد شد. هم چنین رسول  
خدا صلی الله علیه و آله درباره روزه فرموده اند:

الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ<sup>۲</sup> روزه سپری در مقابل آتش است.

و علی علیه السلام نیز فرموده اند:

صَوْمُ النَّفْسِ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصَّيَامِ؛<sup>۳</sup> دور نگاه داشتن  
نفس از لذات دنیوی سودمندترین روزه است.

یعنی همان گونه که امساک از خوردن و آشامیدن بدل از آتش دوزخ  
است، ترک لذایذ دنیا هم این خاصیت را دارد و بلکه حقیقت روزه و اثر  
بخشی حقیقی روزه محصول همین ترک لذت است. و در یک کلام، صبر

۱. المصباح للكفعمی، ص ۶۰۳، دعاء السحر (دعاء أبي حمزة).

۲. الکافی، ج ۴، ص ۶۲، باب ما جاء فی فضل الصوم و الصائم، ح ۱.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۶، الفصل الثانی فی الصوم و الحج، ح ۳۳۶.

بر عبودیت، کلید تطهیر قلب از محبوب‌های غیر الهی و مکتسبات آلوده می‌باشد. به همین جهت است که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿...يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُم ...﴾<sup>۱</sup> خدا شما را به سوگندهای

لغو مؤاخذه نکند و لیکن به آنچه دل‌هایتان کسب کرده مؤاخذه خواهد کرد.

لکن باید توجه داشت که قلب انسان حقیقتی چند لایه و دارای بطون متعددی است، به همین جهت است که آلودگی‌های آن، مرحله به مرحله برای سالک الی الله نمایان می‌شود و به تبع آن عبودیت هر مرحله و صبر بر آن متفاوت می‌شود. روزی باید صبر بر عبادات ظاهری و ترک لذایذ حیوانی داشت؛ و روز دیگر صبر بر عبادات باطنی و ترک لذایذ درونی و خیالی نمود. در مرحله‌ای باید از خورد و خوراک و خواب چشم پوشید و در مرحله دیگر از ریا و نفاق! روزی باید با تمایل به مرکب و لباسِ دلخواه مبارزه کرد، و روز دیگر با تمایل به شهرت و مقام!

روزی باید برای ترک گناهان کبیره و شهوت‌های جسمانی صبر کرد و روز دیگر برای عدم اظهار کمالات و کتمان مقامات! به همین جهت رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُفْرَبِينَ؛<sup>۲</sup> اعمال نیک ابرار، گناه مقربان تو محسوب می‌گردد.

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۲۵.

۲. کشف الغمه فی معرفت الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۵.

## اهمیت تهذیب نفس

«کسی که در سیره اهل بیت علیهم السلام دقت کند و آثار آنها را بررسی کند ... روشن می شود که تهذیب اخلاق مقدم تر بر هر واجبی و مهم تر از هر لازمی است». (مرحوم بحرانی)

با توجه به مطالب پیشین، روشن است که بهره‌مندی از حیات اخروی سعادت‌مندانه مشروط به جایگاهی است که انسان نسبت به خداوند متعال برای خود با التزام به شرایط عبودیت در این حیات دنیوی، تدارک دیده است. به حکم کریمه: «لَا يَسْتَسْهُ إِلَّا الْمُتَّظَرُونَ»<sup>۱</sup>، رتبه انسان در آخرت منوط به میزان طهارتی است که در حیات دنیوی با تزکیه و تهذیب برای نفس خویش فراهم آورده است. معرفت به خداوند متعال که همان مشاهده جمال الهی است، برای هر کسی به میزانی میسر است که توان ادراک داشته باشد. در حقیقت ما با تطهیر قلب مرحله به مرحله حوزه دید آن را افزایش می‌دهیم در نتیجه به هر مرحله‌ای از تطهیر قلب نائل شویم، افق دید ما و محدوده لقای پروردگار وسعت می‌یابد؛ چنان که در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا...<sup>۲</sup> قلوب مانند ظرف است که هرچه جادارتر باشد بهره‌مندتر است.

۱. «که جز دست پاکان (و فهم خاصان) بدان نرسد»؛ سوره مبارکه واقعه، آیه ۷۹.

۲. تحف العقول، ص ۱۶۹، من کلامه علیه السلام لکمیل بن زیاد.



بنا بر این، اگر:

درجه سعادت‌مندی ما در حیات اخروی که همان صورت جاودانی ماست، منوط به تهذیب و تصفیه نفس (قلب) است، و پس از پایان عمر حیات دنیوی ما، پرونده درجه‌گیری ما بسته می‌شود، دیگر به هیچ دلیل دیگری برای اثبات اهمیت تهذیب نفس نیازی نداریم.

از طرفی به حکم کریمه:

«...إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...»<sup>۱</sup>

کلمه نیکو (ی توحید و روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا می‌رود و عمل نیک و خالص آن را بالا می‌برد.

صعود به درجات اخروی و درک مراتب اعلاّی سعادت و بهره‌مندی از لذت تام و مستمر مشاهده جمال الهی (که توسط انجام اعمال صالح امکان پذیر می‌گردد) تنها برای کسانی امکان پذیر می‌گردد که دارای نفس زکیه (که همان «الکلم الطیب» است) شده باشند.

لذاست که خداوند متعال یکی از محرومیت‌های عظیم آخرتی را قهر خود با دین فروشان و عدم تزکیه ایشان بیان نموده است:

«...وَلَا يَكْفِيهِمْ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۲</sup>

و در قیامت خدا با آنها سخن نگوید و (از پلیدی عصیان) پاکشان نگرداند، و هم آنان را در قیامت عذابی دردناک خواهد بود.

۱. سوره مبارکه فاطر: ۱۰.

۲. سوره مبارکه بقره: ۱۷۴.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشنند اینان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا با آنها (از خشم) سخن نگوید و در قیامت (به نظر رحمت) بدانشان ننگرد و (از پلیدی گناه) پاکیزه‌شان نگرداند، و آنان را عذابی دردناک خواهد بود. و اساساً عذاب الیم خود را همین دانسته است.

حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر

کنایتی است که از روزگار هجران گفت

و رفع هجران نیازمند طهارت و پاکیزگی است؛

دیده پاک ببايد که بود قابل فیض

و ر نه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود

از طرفی خداوند تنها یک جا بر مؤمنین منت نهاده و آن هم فرستادن

پیامبری است که ایشان را پاک می‌کند:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا

مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>۲</sup> خدا براهل ایمان ممت گذاشت که

رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت

۱. سوره مبارکه آل عمران: ۷۷.

۲. سوره مبارکه آل عمران: ۱۶۴.

می‌کند و آنان را پاک می‌گرداند و به آنها علم کتاب (احکام شریعت) و حقایق حکمت می‌آموزد، و همانا پیش از آن در گمراهی آشکار بودند. بدیهی است که پیامبران برای انجام چنین فعلی (پاک کردن مؤمنان) زحماتی را متحمل خواهند شد؛ و به همین خاطر است که خداوند بر مؤمنان منت نهاده است. و همچنین چون انجام این تزکیه و طیفه هر فرد مومنی است، انجام آن توسط پیامبر ﷺ منت دارد. روشن است که این لطف الهی - که توسط پیامبران شامل انسان‌ها می‌گردد - مشمول حال کسانی می‌شود که یک قدم برای تزکیه خود بردارند و اشتیاق و اراده خود برای انجام آن را اعلام کنند.

### طالب لعل و گهر نیست و گرنه خورشید

همچنان در عمل معدن و کان است که بود

پس آغاز و استمرار تهذیب و تزکیه نفس بر عهده مومن است و پیامبر به رحمت خود، در دنیا و خداوند، به فضل خود، در آخرت کمبودها و قصورهای ما را جبران می‌کنند.

و نکته مهم آنکه، چون مؤمنان برای بهشت آفریده شده‌اند و در دوزخ جایی برای ایشان نیست؛ لاجرم این عمل تزکیه (در صورتی که خود اقدام به آن نکنند) در مورد ایشان صورت خواهد پذیرفت؛ زیرا برای ورود به بهشت طهارت صد در صدی لازم است.

گرچه درجات مؤمنان در بهشت متفاوت است که آن هم معلول

کوتاهی در انجام اعمال صالح و استفاده نکردن از تمام فرصت‌های حیات دنیوی به خصوص جهاد در راه خداست. ولی باید بدانیم زحمت و مشقتی که برای تزکیه و پاکسازی نفس در دنیا متحمل می‌شویم به مراتب کمتر از زحمت و مشقت آخرتی است؛ زیرا یک روز این دنیا برابر هزار سال آخرت است.

یعنی یک روز ترک روزه در این دنیا با هزار سال روزه در آخرت تدارک و جبران می‌شود. و همچنین یک روز روزه مستحبی تدارک هزار سال تزکیه در آخرت را می‌کند.

ولی باید بدانیم که خداوند هیچ عملی را مانند جهاد ثمر بخش نمی‌داند.

لذا فرموده است کوتاهی در جهاد؛ اگر ضرری به اسلام نداشته باشد؛ معفو (بخشوده) است. ولی هیچگاه این مؤمنان خود را هم درجه مجاهدان ندانند. که ایشان از جایگاه رفیعی نزد خداوند برخوردارند و ایشانند که وعده فوز عظیم به ایشان داده شده است.

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ... وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۱</sup> هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد

بازنشتند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را برترک‌کنندگان (جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را برترک‌کنندگان به اجرو ثوابی بزرگ برتری داده است.

و در جای دیگر خداوند متعال رستگاری نهایی را مخصوص مجاهدین دانسته است، و هدایت مؤمنین نمازگزار و خداترس را غیر حتمی دانسته است.

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup> منحصر به تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند، پس امید است که از هدایت یافتگان راه خدا باشند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾<sup>۲</sup> آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند.

۱. سوره مبارکه توبه ۱۸.

۲. همان، آیه ۲۰.

و می دانیم که پیامبر اسلام ﷺ این جهاد را جهاد اصغر دانسته و جهاد با نفس که همان تزکیه و تهذیب نفس است را جهاد اکبر دانسته اند. و مخاطب کلام پیامبر ﷺ که فرمودند: «بقی علیکم جهاد الاکبر»، کسانی بودند که از عهده امتحان جهاد اصغر سر بلند بیرون آمده بودند. پیامبر ﷺ در بین نماز و در مسجد، مؤمنین را خطاب قرار نداده و راهنمایی به جهاد اکبر نفرمودند بلکه مجاهدان جهاد اصغر را به این مهم رهنمون شدند. پس کسانی که جمع بین جهاد اکبر و اصغر کنند، آخرتی بی رحمت و منتعم در جوار حضرت دوست خواهند داشت.

وَفَقْنَا لِلَّهِ هَذَا وَرَزَقْنَا اللَّهُ بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ، انشاء الله.

که:

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا﴾

و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نشود احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نخواهد شد.